

تأثیر ملی شدن نفت در وضع صنعتی ایران

مهندس مهدی بازرگان



در اولین نشریه کانون مهندسين نفت خوزستان که پس از ملی شدن نفت و در خردادماه ۱۳۳۱ منتشر گردیده است. مطلب جالبی از مرحوم مهندس مهدی بازرگان که رئیس هیئت اعزامی دولت به پالایشگاه آبادان بود درج شده است که اطلاعات خوبی را در مورد اوضاع و احوال ایران و خصوصاً نفت در زمان ملی شدن ارائه می کند. البته از آنجا که این نوشته از روی یادداشت های مرحوم بازرگان که برای سخنرانی در جلسه ۱۳۳۱/۱۶ کانون تهیه کرده بوده اند تنظیم شده بوده است، طبیعاً از انسجام کامل برخوردار نیست اما به دلیل جذابیت و اطلاعات مفید منعکس در آن، بر آن شدیم که آنرا به عنوان یک سند تاریخی که ۵۶ سال از عمر آن می گذرد، عیناً در اختیار خوانندگان اقتصاد انرژی قرار دهیم.

چون می گویند با ملی شدن و بهره برداری از نفت تمام دردهای کشور دوا می شود، لازم است در تأثیرات این امر مهم در هر یک از شئون کشور مطالعه و بررسی کامل به عمل آید. مبدا از این راهی که در پیش گرفته ایم و موفقیتی که نصیب ما شده است نتیجه ای نگیریم یا کم بگیریم. بدیهی است در عالم هیچ عملی بدون مطالعه و سعی کامل خود بخود انجام نمی شود و امروزه باید در تأثیرات ملی شدن صنعت نفت در وضع صنعت ایران مطالعه کامل بنمائیم تا با علم و اطلاع از حقایق بتوانیم حداکثر استفاده را از هر حیث داشته باشیم.

اکنون برای این که تا حدی شنوندگان محترم به اهمیت ملی شدن صنعت نفت در ایران آشنا شوند چند رقم را ذکر می کنیم تا ببینیم با مالک شده صنعت نفت یک مرتبه چه تغییرات عظیمی در وضع صنعتی ما پیدا شده است.

کل کارگران ایران در صنایع دولتی و

ملی طبق آمار و اطلاعات رسمی وزارت کار در ۱۳۲۹ ۶۰،۰۰۰ نفر که ۵۰٪ آن در صنایع نساجی بوده اند. کل کارگران دستگاه نفت کشور در همان سال ۶۸،۰۰۰ نفر، کل نیروی برق کشور ۵۷،۰۰۰ کیلووات و کل نیروی برق مؤسسات نفت در همین حدود. سرمایه کل مصرف شده در کارخانجات دولتی و ملی ۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال و سرمایه کل دستگاه نفت ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ لیره بدون زمین، یعنی بیش از چهل برابر از لحاظ مبلغ و عایدات. کل صادرات کشور در سال ۱۳۲۹، ۳۵۰ میلیون تومان (که نصف کل واردات است) و صادرات مواد نفتی ۲،۲۱۸ میلیون تومان یعنی هفت برابر آن. عایدات دولت ۱ میلیارد تومان که فقط ۲۰ درصد آن از امتیاز نفت بوده است.

عایدات فروش نفت، مثلاً یک میلیارد و نیم تومان یعنی بیش از ۷ برابر درآمد سابق (مذکور). پس بیندیک مرتبه چه وزن بزرگی در ترازوی صنعتی و اقتصادی کشور وارد می شود و چگونه عظمت و آثار خود را بر همه چیز ایران تحمیل می نماید. این عیناً مثل آنست که رود بزرگی را به سمتی سرازیر کنند که از یکطرف آبادی و رفاه می آورد و از طرف دیگر با کمترین غفلتی ممکن است همه چیز را محو و نابود کند. این یک انقلاب است و حتماً نمی تواند بلااثر باشد.

البته مقصود ما در اینجا بحث در آثاری است که روی صنعت یا صنایع ایران دارد نه سایر چیزها.

صنعت در ایران به معنی و مفهوم جامع و کامل یعنی فعالیت برای تولید درآمد و تحصیل منبعی برای صادرات تقریباً یا اصلاً وجود ندارد. در اقلام صادرات ما که در سال ۱۳۲۹ جمعاً ۳۵۰ میلیون تومان بوده است آنچه را که کاملاً می شود نام صادرات صنعتی روی آن گذاشت، فرش است که دو مین قلم صادرات و ۱۸٪ کل را تشکیل می داده. رقم اصلی پشم (۲۵٪) پس از آن محصولات حیوانی دیگر مانند مو و کرک و پوست و روده (۱۶٪) - خشکه بار (۱۲/۵٪) - کتیرا (۶٪) - برنج (۲٪) و غیره.

اکنون یک یک این موارد استعمال را مورد بررسی قرار می دهیم.

Chauffage ۱- (گرمایش) آنجائی که بیش از هر جا سوخت عرض اندام می کند همین جا است که در واقع باراندامان ۱۰۰٪ و به عنوان ماده اصلی و کلی وارد می شود معذالک مثلاً اگر یک کالریفیکس معمولی را در نظر بگیریم و فرض کنیم چهار پنج سال عمر آن بوده و سالی ۳ ماه در خدمت ما باشد تقریباً روزی یک تومان بابت استهلاک آن می پردازیم و در حدود همین مبلغ هم (بحسب این که چند ساعت اطاق را گرم نگاه داریم) نفت در آن می سوزانیم یعنی تأثیر نفت در گرمایش با کالریفیکس می شود ۵۰٪ - حال اگر بتوانیم از راه وفور و ارزانی نفت در داخله قیمت آن را نصف کنیم در واقع ۲۵٪ هزینه گرمایشی با کالریفیکس را تقلیل داده ایم.

ولی خواهید گفت که کالریفیکس در اطاق روشن کردن امری است جزئی و عادی و این عمل را عمل صنعتی نمی توان نامید. اگر یک قدری بخواهیم پیمان را در عالم صنعت بگذاریم باید بسراغ سופاژسانترال و تهویه مطبوع برویم؛ اگر دستگاه تهویه مطبوع عمارت هفت طبقه اردکانی در خیابان سعدی تهران را در نظر بگیریم ملاحظه می شود که از ۸۰۰۰ تومان مخارج ماهیانه، دو هزار تومان برای گازوئیل، ۱۰۰۰ تومان برای حقوق متخصص شرکت جنرال الکتریک، ۱۰۰۰ تومان برای برق و آب و مصارف دیگر و چهار هزار تومان هم برای استهلاک ده ساله سرمایه منظور می شود و اثر نفت ۲۵٪ کل هزینه را تشکیل می دهد. در اینجا رقم عمده، استهلاک سرمایه است که ناشی از گرانی بهای خرید و نصب دستگاه می باشد و پس از آن با رقم ناراحت کننده حقوق متخصص مواجه می شویم یعنی آن چیزی که مانع توسعه صنعت سופاژ می شود در مرحله اول گرانی ارز بعد گرانی سوخت مایع و بالاخره Main d'oeuvre است.

قیمت گازوئیل اگر نصف هم بشود فقط باندازه ۱۲/۵٪ در مشکلات این کار تخفیف می دهد.

کم
دوم - گرانی ماشین آلات و تأسیسات صنعتی
سوم - نبودن یا کمی مواد اولیه (معادن) که یکی از آن ها سوخت است.
چهارم - ضعف خطوط ارتباط و وسائل نقلیه (گرانی کرایه و کمی وسائل)
پنجم - Main doeuve یا مرد کار (اعم از کارگر مهندس و غیره)
ششم - ناشی گری یا نادرستی در اداره کردن و مفاسد فردی و اجتماعی
حال ببینیم ملی شدن و بهره برداری از



منابع نفتی چگونه به این مسائل جواب می دهد و آثار آن چیست و برای این منظور بهتر است همراه نفت راه بیفتیم و ببینیم به کجاها و چگونه وارد می شویم.

خاصیت مستقیم و سراسر است مواد نفتی سوزندگی و تولید انرژی حرارتی است. پس اولین مورد استعمال آن در گرمایش و طبخ است. پس از آن از راه تبدیل انرژی حرارتی به انرژی مکانیک مانند: برق - آب (تلمبه) - حمل و نقل - تراکتور بوده و بالاخره مصارف شیمیائی و طبی و غیره می باشد. از این به بعد باید از سرحد خارج شویم (سرحد کشور - سرحد صنعتی) و موضوع فروش خارج و تحصیل ارز را در نظر بگیریم:

اگر توجه را به داخله بیفکنیم صنعت بمعنای دستگاه سازنده مصنوعات در درجه اول کارخانجات نساجی است که تقریباً نصف کارگران خارج از مؤسسات نفت را اشغال می کند بعد قدس سازی که یکی از منابع بزرگ درآمد سازمان برنامه است. دخانیات - صنایع سیلیکات (سیمان - بلور - آجر) - کارخانجات شیمیائی - کبریت سازی - مقواسازی - تسلیحات و تعمیرات آرتش، صابون پزی کارخانجات زراعتی (برنج پاک کنی - پنبه زنی - چای خشک کنی - روغن کشی - عرق کشی) و غیره و اگر بعدها هم کارخانه هائی دائر شود باز محل دارد که در همین زمینه ها باشد. (در سال ۱۳۲۹ عمده ترین قلم وادرات ما باز قند و شکر و چای بوده است - ۱۱۴ میلیون تومان) پس از آن منسوجات پنبه ای و پشمی (۱۰۰ میلیون تومان) و ماشین آلات (۸۲ میلیون تومان) که متأسفانه از این حیث خیلی فقیریم و باید دائر شویم.

پس به داخله هم که نظر بیفکنیم باز کشور ما کشور زراعتی است و صنایع مختصر و کوچک آن ریشه خود را از زمین و زراعت می گیرد. از این ها که بگذریم آنچه را که به معنای عام می شود صنعت گفت یا لاقط مشغولین به آن را می شود گفت دارای فعالیت صنعتی هستند، بیشتر فعالیت های فنی و صنایع مربوط به مصارف و احتیاجات عمومی است (برق - آب - یخ - ساختمان - حمل و نقل - کشاورزی موتوری و غیره) و اتفاقاً توجه و علاقه مردم بیشتر به این ها است و هم این ها شاخص درجه تمدن و آسایش و رفاه می باشد.

بنابراین همه رایکجا در نظر گرفته و تأثیر ملی شدن و بهره برداری از منابع نفت را روی تمام آن ها مورد بحث و مطالعه قرار می دهیم. البته توجه ما به آثار نیکو در توسعه و بهبود و مخصوصاً رفع اشکالات صنعت ایران می باشد.

اشکالات عمده صنعت ما و صنعتی شدن ایران:
اول - کمی جمعیت و فقر همان جمعیت

طبق ارقامی که ذیلاً داده شده است هزینه سوخت کمتر از ۱٪ کل هزینه می شود.
۱- کل درآمد بنگاه راه آهن در سال ۱۳۲۹ بیش از ۸۶،۰۰۰،۰۰۰ تومان بوده
۲- کرایه دریافتی بابت حمل مواد نفتی ۳۸،۰۰۰،۰۰۰ تومان بوده
۳- هزینه جاری بنگاه بدون استهلاک ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان بوده
بنابراین عایدات بنگاه از شرکت ملی نفت ۴۴٪ کل درآمدش بوده است و نسبت به مخارج جاری ۴۲٪ می شود. از طرف دیگر پرداختی بنگاه بابت سوخت (مواد نفتی)

۵٪ در اشاعه صنعت برق کمک کرده ایم. فرم دیگری که مخصوصاً در ایران (کشور کشاورزی و خشک) اهمیت دارد استفاده از سوخت برای آبیاری است که به صورت نیروی محرک تلمبه های سطحی برای عمق کم و تلمبه های چاه های عمیق مصرف شده و طبق ارقامی که یکی از مهندسین متخصص ایرانی (آقای مهندس اصفیا) داده اند اثر سوخت از ۲۰ تا ۴۰ درصد بوده و بنابراین دخالت نفت قابل توجه تر می شود.
۴- در حمل و نقل اثر شدیدتر است،

باید دانست که (بهای خرده فروشی نفت سفید در ایتالیا از همه جا گران تر است ۹۵/۷ سنت برای هر گالن و پس از آن فرانسه ۴۵- ترکیه ۳۵- سوریه ۲۴- ایران ۲۰/۹- هندوستان ۲۰/۱ - عربستان سعودی ۱۹- انگلیس ۱۸/۵ و نروژ و مصر ۱۷/۳ است.
۲- طبخ - در اینجا هم قاعدتاً آثار ناشی در حدود فوق است جز آن که اسباب و متصدی دقیق تر لازم بوده و اثر بهای سوخت کمتر می شود و ماده اولیه و تجهیزات دیگر هم در بین می آید.
۳- نیروی محرک - متداول ترین فرم



جمعاً ۷۰۰،۰۰۰ تومان بوده است که بسیار ناچیز و کمتر از ۱٪ است. (علت اولاً ارزانی نفت سیاه ثانیاً سنگینی طبیعی راه آهن و همان مسأله ارزاست).
در کشاورزی موتوری (تراکتور) متأسفانه ارقامی در دست نداریم ولی گمان نمی کنم دخالت سوخت به طور متوسط از ۲۰٪ کمتر باشد و مخصوصاً مسأله توزیع گازوئیل به اقصی نقاط دهات و غیره فوق العاده پراهمیت است و از بعضی جهات شاید این دخالت به ۵۰٪ هم برسد.
۴- فروش خارجی - در اینجا از مصارف شیمیائی و طبی صحبتی نکردیم یک قلم عمده مصرف دیگر مستقیم مواد نفتی که

خصوصاً حمل و نقل با اتومبیل و کامیون. طبق ارقام مستخرجه از آمار اداره حمل و نقل شرکت ملی نفت در کرمانشاه در لیلاندهای بنزینی، بهای بنزین بکل هزینه ۰/۴۱ در لیلاندهای دیزل بهای گازوئیل به کل هزینه مساوی ۱۰٪، یعنی بهای مواد نفتی در حمل و نقل (که حمل و نقل اثر عظیمی در تجارت و صنعت و مخصوصاً کشاورزی دارد و عامل اصلی توسعه فوق العاده کشاورزی ایران در سنوات اخیر بوده است) اثر ناچیزی ندارد. و اگر نصف شود به طور متوسط شاید ۱٪ هزینه کرایه را در جاده ها پائین می آورد.
در حمل و نقل بار راه آهن اینطور نبوده و

به صورت برق است و پول سوخت برای هر کیلووات ساعت در ماشین های مختلفه بقرار زیر می باشد.
موتورهای کوچک بنزینی ۱۷۰ ریال پول سوخت می شود. دیزل سبک (گازوئیل) ۰/۵۴ ریال پول سوخت. شدید بخار - (نفت سبک) ۰/۳۵ ریال پول سوخت.
اگر قیمت متوسط یک کیلووات برق را ۴ ریال در نظر بگیریم در موتورهای کوچک بنزینی ۴۰٪ در دیزل سبک ۱۳/۵٪ و در شدید بخار ۸/۵٪ بابت سوخت می رود و چون فعلاً برق در ایران بیشتر با دیزل تهیه می شود اگر گازوئیل را به بهای نصف بفروشیم حداکثر

سیاسی روبرو نموده و وارد دنیای عظیم خارج و دریا‌های بی‌انتهای می‌کنند و سری توی سرها خواهیم برد و ناگزیر می‌شویم حواس و دست و پایمان را قدری جمع کنیم، امور را سرسری نگیریم و اجباراً اصول منطق را رعایت کنیم.

به این ترتیب آن مشکل غامض ششم که ناشی‌گری و مخصوصاً نادرستی و مفاست اجتماعی است به تدریج و بالاجبار یا به طیب خاطر تا اندازه‌ای حل خواهد شد و آنوقت نه تنها صنعت بلکه حیات ما درست خواهد شد.

آقایان این است آن آثار مستقیم و غیرمستقیم ولی عظیم و عمومی ملی شدن صنعت نفت روی صنعت و روی تمام شئون زندگی ما.

خواهید گفت درست است که نفت ملی شده ولی تمام این آثار و مزایا به فرض بهره‌برداری و فروش خارجی است که فعلاً متوقف و دچار مشکلات عجیبی شده است. می‌خواهید باور کنید می‌خواهید نکنید، بعقیده من به هیچ وجه مسلم نیست که مثلاً ملی شده نفت از جهت مشکلات و مساعی که برای ما پیش آورده و خواهد آورد کمتر مفید باشد تا از جهت منافع فوری که انتظار داشتیم. صنعت نفت اعم از آن که بزودی درست بشود یا نشود تأثیر فوق‌العاده خود را بکار انداخته است و همین مشکلات و مصائبی که دچار هستیم بعقیده من بزرگ‌ترین نعمت و عامل اصلاح و ترقی ما می‌باشد حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید هیچ چیز بقدر یک رنج ما را بزرگ نمی‌کند.

الحمدلله رنج به ما روی آورده است آنهم نه رنج Passif و منفعل بلکه رنج actif و فعال که ما خودمان خواسته‌ایم و توأم با اراده موفقیت است. این اراده بزودی ما را هم نجات داده و هم موفق خواهد کرد بشرط آن که بخواهیم و خود را بتناسب اهمیت وظیفه‌ای که به عهده داریم بزرگ کنیم و افکار کودکانه-کوته‌نظری-حسادت و بدبینی را که لازمه زندگی استعماری و نوکرم‌آبی است کنار بگذاریم.

به طور مستقیم و غیرمستقیم انواع مختلف صاحبان حرفه و هنر را تحویل جامعه خواهد داد و کمک‌های ذی‌قیمتی به تهیه و تکمیل کادر سایر صنایع خواهد کرد خصوصاً اگر در نظر بگیریم که صنعت نفت با احتیاجات متفرق و متنوعی که دارد (خواربار-لوله-تلمبه-موتور-قطعات یدکی-لوازم برق-نفت کش و غیره) بنوبه خود موجد صنایع فرعی و تبعی می‌شود که به مقیاس وضع حاضر دست کمی از کارخانجات موجوده نخواهد داشت بلکه بزرگتر نیز خواهد بود و به طفیل آن‌ها محصولات و مایحتاج سایر



جاهای کشور شاید تأمین شود. دستگاه عظیم شرکت ملی نفت نه تنها یک مدرسه فنی برای ترتیب کارگران و متخصصین می‌باشد بلکه با مشکلات و مسائل و مقتضیات عظیمش یک مدرسه بزرگتری برای تربیت کارمندان اداری و تعلیم‌دهنده اصول اداره بمقیاس بزرگ یعنی تربیت آدم و مردکاری باشد و مارا که عادت به محیط‌های بسته و فعالیت‌های جزئی و ضعیف کرده‌ایم (فعالیت‌هایی که طبق اصول خانوادگی و دهاتی بدون مطالعه و دقت و رعایت اصول صحیح و به اسلوب ثمیل بازی خودمان انجام می‌شود) یکمرتبه با هزاران مشکلات فنی و مالی و اقتصادی و

انشاءالله مربوط به خودمان خواهد شد روغن‌های ماشین است که می‌شود آنرا در سر جمع حساب سوخت وارد نمود.

اما فروش خارجی که در آخرین سال تصدی شرکت سابق ۲۹ برابر اصل مصرف داخلی بوده است طبعاً از لحاظ اثر نیز قلم عمده را تشکیل می‌دهد آنچه را که از این راه بدست ما خواهد آمد عایدات به صورت ارز است.

می‌دانید الان آن پولی را نداریم که بتوان در شهرها و دهات جزء، دست به تأسیس کارخانجات و امور عمرانی و شهری بزینم و آنقدر هم که داریم، باید با ارز که نرخ گران دارد وارد کنیم. در بعضی موارد باید به نرخ آزاد که حتی دو سه برابر نرخ رسمی است و گواهینامه‌های صادراتی و غیره متوسل شویم اما اگر ارز فراوان پیدا کردیم اولاً گواهی‌نامه‌ها از بین می‌رود و ثانیاً قیمت‌ها تنزیل فاحشی پیدا می‌کند یعنی شاید آن فاکتور سنگینی که روی چرخ‌های صنعت ماسنگینی می‌کند یکمرتبه نصف و بلکه ثلث شده عوارض گمرکی هم حتماً تنزیل فاحشی پیدا خواهد کرد. یعنی در حقیقت از راه تأثیر اقتصادی ملی شدن و بهره‌برداری نفت بیش از ده مقابل اثر مستقیم انرژی‌تیک روی پیشرفت صنعت ما کار خواهد کرد مخصوصاً که با دارا شدن درآمد آن اشکال بزرگ اولی صنایع ما که فقر ملی است مرتفع خواهد شد.

البته آثار نیکو و فوق‌العاده ملی شدن و بهره‌برداری از منابع نفتی باینجا متوقف نشده و علاوه بر رفع اشکالات فوق‌الذکر آثار عظیم دیگری هم دارد. عسرت هنری و قحط‌الرجال تخصصی d'oeuvre Main در مرحله اول ناشی از عدم سابقه و قلت دستگاه‌های صنعتی است همان طوری که ایجاد و بهره‌برداری راه آهن در ایران خدمت بزرگی بفن ساختمان و مکانیک و برق نمود و سطح هنری کارگران و کارمندان ایران را بالا آورد این دستگاه معظم نفت نیز بزرگ‌ترین کارگاه تربیتی و آموزشگاه تخصصی برای تمام کشور می‌باشد که